بسمه تعالی

ایران: از دیروز تا به امروز

نادر حسن زاده

تاریخ نشر۱۳۹۶/۵/۱۲. تاریخ بازبینی هفتم ۱۴۰۳/۵/۱۵

hasanzadehr@yahoo.com

اسکندر معروف در سال ۳۳۴ ق. م به آسیای صغیر که تحت کنترل هخامنشیان قرار داشت هجوم برد و طی سلسله نبردهایی ده ساله و شکست دوباره داریوش سوم بر کل قلمرو شاهنشاهی ایران مسلط شد.

سرعت حرکت لشکر اسکندر در روز ۳۰ کیلومتر بود. اما او بدون مانع و چراغ روشن به ترتیب مصر را فتح کرد، بعد بابل را گرفت، سپس راهی شوش یکی از پایتخت‌های هخامنشیان شد. ثروت افسانه‌ای آن شهر را از آن خود کرد. بعد لشکر را به صورت گاز انبری به سمت تخت جمشید هدایت کرد. تنها مانع این لشکر مغرور فرمانده رشید ایرانی آریوبرزن در گذرگاه دربند پارس بود. آریوبرزن، نام سردار کهگیلویه و بویراحمدی بود که در کوههای کهگیلویه و بویراحمد در برابر سپاه اسکندر مقدونی ایستادگی کرد و خود و سربازانش تا آخرین نفر جنگیدند و جان عزیز خود را فدای ایران عزیز کردند. اسکندر با در هم شکستن مقاومت آریوبرزن، با عجله خود را به تخت جمشید رساند. کلی شمش طلا و نقره داخل کاخ را از آن خود کرد!

آن روز یک مرد غیور ایرانی نبود حتی این اموال ملی را از چشم ها پنهان بکند! این اموال بادآورده موتور محرکه حملات دیگر اسکندر به دیگر نقاط دنیا شد. چقدر نوامیس کشور بدست دشمن افتاد بماند. اسکندر پس از تسخیر تخت جمشید هفت سال بر ایران حکومت کرد (ویکی پدیا، ۲۰۲۴ و روایت فیلم مستند اسکندر، مرداد ۱۳۹۶).

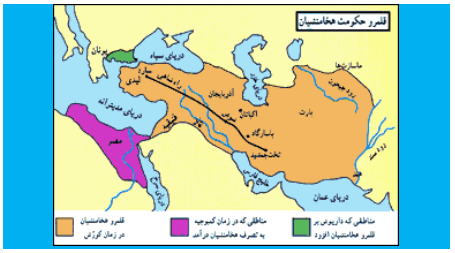

نقشه ایران دوران هخامنشی



نقشه ایران فعلی



نقشه ائی که صدام خواب آن را برای ایران می دید

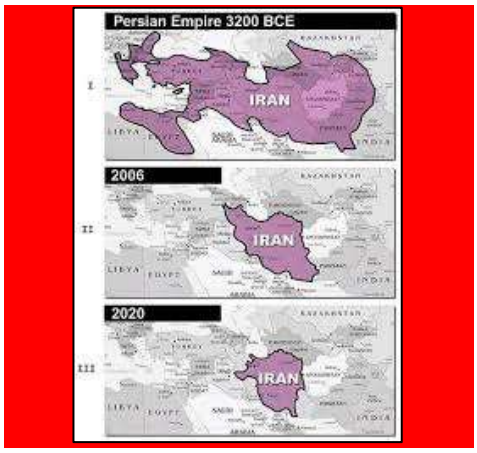

نقشه ائی که ائتلاف دشمن برای ایران در خاورمیانه جدید در نظر داشت.

سروده زیر متاثر از مشاهده فیلم مستند چند قسمتی حمله لشکر اسکندر مقدونی به قلمروهای ایران هخامنشی بود. اما این شعر کجا و شعر زیبای مرحوم نادر ابراهیمی با صدای شورانگیز محروم محمد نوری کجا:

ما برای بوسیدن خاک سر قله‌ها

چه خطرها کرده‌ایم، چه خطرها کرده‌ایم

ما برای آنکه ایران گوهری تابان شود

خون دل‌ها خورده‌ایم، خون دل‌ها خورده‌ایم

ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود

رنج دوران برده‌ایم، رنج دوران برده‌ایم

منبع توحیدیم ما

مظهر خورشیدیم ما

نیمه غرب بودیم ما

نیمه شرق بودیم ما

خاک وطن بودیم ما

آب وطن خوردیم ما

نامی شهر بودیم ما

قصه زیاد خواندیم ما

غصه زیاد خوردیم ما

کار فلک دیدیم ما

هرچه قضا دیدیم ما

سفله جنگ دیدیم ما (ستون پنجم: یک چوپان اسیر ایرانی که راهنمای اسکندر مقدونی برای گذر از کوهستان یک چوپان اسیر ایرانی بود. امروز این افراد اغلب تحصیل کرده اسرای غرب هستند و حاضرند به هر قیمتی بر ایران مسلط بشوند حتی در ازای تجزیه ایران. به تقلید از فردوسی تفو بر تو ای آدم گردون تفو)

سلطه شب دیدیم ما

مژده عصر دیدیم ما

مرده شهر دیدیم ما

قله کوه بودیم ما

دره زیاد دیدیم ما

تاج پدر دیدیم ما

تاج پسر دیدیم ما

کمبوجیه دیدیم ما (کوروش آخرین نوه پادشاه ماد در استوانه خود که در بابل کشف شده، خودش را فرزند کمبوجیه معرفی می‌کند)

کوروش خوب دیدیم ما (۳۰ سال حکومت کوروش یک طرف، ۱۹۰ سال حکومت دیگر پادشاهان هخامنشی یک طرف)

لوح بیان دیدیم ما (منشور دیروز بشر)

لوح زمان دیدیم ما (منشور امروز بشر)

بهتر از این دیدیم ما

بدتر از این دیدیم ما

کشته خون دیدیم ما

سلطه روم دیدیم ما (جنگ های ایران و روم شرقی بعنوان دو ابر قدرت زمانه خود سابقه ۷۰۰ ساله داشته است. اما جنگ ۲۵ ساله اخیر که بین سالهای ۶۰۲ تا ۶۲۸ میلادی روی داد برای هر دو قدرت تعیین کننده بوده است. در نبرد اول، ایران بر روم شرقی(بیزانس) پیروز شد. اما خداوند متعال در اواخر حضور پیامبر در مکه (۶۲۰ میلادی)، در سه آیه ابتدایی سوره روم (الم* غُلِبَتِ الرُّومُ * فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَهُم مِّن بَعْدِ

غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ) وعده داد که روم، علیرغم شکستی که از ایران خورده است، در کمتر از ۱۰ سال بر ایران پیروز خواهد شد که چنین هم شد. در واقع شکست ناباورانه ایران از روم (۶۲۲ میلادی)، پایان کار خسرو پرویز و سقوط آزاد سلسله ۴۰۰ ساله ساسانیان بود. زیرا این سلسله در سال ۶۵۱ میلادی، پس از حمله اعراب به ایران و کشته‌شدن یزدگرد منقرض و حکومت بدست اعراب افتاد. حمله مشابهی را اعراب به روم شرقی داشتند که اولین نتایج آن از دست رفتن سریع استان‌های جنوبی بیزانس (سوریه و مصر) بود. مبدا پیدایش خلافت اسلامی به عنوان یک امپراتوری جدید از این تاریخ است.

حمام خون دیدیم ما

غارت جان دیدیم ما

غارت مال دیدیم ما

رنج وطن دیدیم ما

خاک وطن دیدیم ما

علم و ادب بودیم ما

دولت عشق بودیم ما

شهرت فکر بودیم ما

سلسله ها بودیم ما

نام بلند بودیم ما

فاتح غرب بودیم ما

حمله چقدر دیدیم ما

حمله اعراب دیدیم ما (از سال ۶۳۳ میلادی در زمان خلافت ابوبکر شروع شد، در زمان عمر به اوج خود رسید و در زمان عثمان منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی (مطابق با سال ۳۰ هجری قمری) و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان، گردید. شمش طلا بود که به دست اعراب باده نشین افتاد و بقول دکتر شریعتی رجال آن روز شمش های طلا را با تبر می شکستند)

قوم مغول دیدیم ما (حمله مغول به ایران به سه لشکرکشی مغول به ایران در فاصله سال‌های ۱۲۱۹ تا ۱۲۵۸ میلادی (۶۱۶ تا ۶۵۶ ه. ق) اشاره دارد. این لشکرکشی‌ها به خاتمه حکومت خوارزمشاهیان، خلافت عباسیان، اسماعیلیه الموت و حکومت های محلی اتابکان سلجوقی و ایجاد حکومت ایلخانان مغول به جای آنها در ایران منجر شد. این قوم هم هم بردند، هم کشتند و هم آتش زدند)

لشکر کفر دیدیم ما

اسکندر مقدون دیدیم ما (در بهار ۳۳۴ قبل از میلاد اسکندر بدون هیچگونه ممانعتی از جانب ایرانیان از تنگه داردانل گذشت و وارد آسیای صغیر شد. دوبار داریوش سوم از او شکست خورد و پا به فرار گذاشت. در نهایت اسکندر صاحب تخت و تاج او و سقوط سلسله هخامنشی شد. اینجا هم آنچه از مردم غارت شد اموال ملی به صورت شمش طلا و نقره و جواهرات بود)

غارت تخت دیدیم ما

غارت شهر دیدیم ما

نقشه کل دیدیم ما (۸،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت ایران در ۵۰۰ سال پیش از میلاد)

نقشه جزء دیدیم ما

کل جهان بودیم ما

نصف جهان دیدیم ما

نیمه خاک دادیم ما

نیمه آب دادیم ما

کمتر از آن دادند ما (نقشه امروز ایران که مساحت آن حدود یک پنجم نقشه دیروز ایران و مغز و مرکز ایران باستان است (۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربع است. با اینهمه برای دشمنان تجزیه این کشور آرزوی دیرین است. باید مردم ایران قدر ایران واحد را بدانند)

آن همه فخر بودیم ما

اینهمه فرق دیدیم ما

علت فقر دیدیم ما

علت خصم دیدیم ما

رشک لئیم دیدیم ما

اشک یتیم دیدیم ما

شاعر خوب داشتیم ما

شاهد خوب بودیم ما

آریو برزن داشتیم ما

رستم دستان بودیم ما

خاک فلات داشتیم ما

طوسی فردوس بودیم ما

آب گوارا بودیم ما

تا به ثریا بودیم ما

ابن حکیم بودیم ما

ابن فهیم بودیم ما

حافظ قرآن بودیم ما

دانش سینا بودیم ما

رازی کاشف بودیم ما

فتح مبین بودیم ما

وحدت شرق بودیم ما

کلی رفیق بودیم ما

هر که رسید دیدیم ما

هر چه نصیب دیدیم ما

مکتب خوب بودیم ما

مرد طبیب بودیم ما

مرد شریف بودیم ما

کل جهان بودیم ما

کل جهان دیدند ما

بار دگر دیدند ما

جنگ اخیر دیدند ما (جنگ ۸ ساله دفاع مقدس بین دو کشور مسلمان ایران و عراق بین سالهای ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷. جنگ ایران و عراق نبود. جنگ جهان با ایران بود. جنگ تجزیه ایران بود. خوزستان را عربستان می گفتند. همه دولت ها در برابر ایران کم آورده بودند. در جهاد اصغر، رهبران ایران، مردمان ایران و مردان ایران موفق ترین بودند)

کلی شهید دادیم ما

کرب و بلا دیدند ما

منبع حق دیدند ما

مرد خدا دیدند ما

کلی فتا دیدند ما

موج صدا دیدند ما

مهر خدا دیدند ما

صورت خوب دیدند ما

دست قضا دیدند ما

فتح محال دیدند ما

راه خدا بستند ما (وَصَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللّهِ. اینجا بود که کم آوردیم)

راه خطا بردند ما

کلی ستم کردند ما

مانده به ما ماندند ما

رانده به ما راندند ما

خاک وطن خواستند ما (خط قرمز مردم ایران)

آتش جنگ دادیم ما

خاک وطن دیدند ما

مام وطن دیدند ما

تجزیه خواستند ما

تجزیه دادیم ما

تجزیه بردار نیست این خاک

تعزیه خوان نیست این خاک

دست خدا هست این خاک

چشم رسول است این خاک

نام حسین است این خاک

آل علی است این خاک

حرمت ما دادند پاک

عصمت ما دادند پاک

خاک وطن دیدیم پاک

کرد و عرب دیدیم پاک

ترک و عجم دیدیم پاک

مرد بلوچ دیدیم پاک

دولت و ملت دیدیم پاک (در مقاطع خاص)

هرچه دعا پاک است

حکم خدا کار است

مژده ما راه است

هرکه نخواست خواب است

جرم بزرگ خواب است

جرم دگر عار است

کل جهاد اکبر

نام خدا اکبر

سینه نبود سیمین

میوه نبود دیرین

خیلی نبود باران

بار تو هم خاقان (در همه ادوار اغلب از خودی و غیرخودی خوردیم اما این بار بیشتر از خودی ها بی خدا خوردیم (بقول کی روش سرمربی تیم فوتبال از مدیران بدون استفاده!) که در لباس میش بودند. یکبار هم جاذبه قبله را ندیده بودند. یکبار هم دلشان برای مجاهدین و شهدای اسلام نتپیده بود.

شروع تحریم ها

این ستون پنجم مترصد فرصت بودند که به بیت المال دستبرد بزنند! چه فرصت طلائی نایابی: شروع تحریم ها!

مدتها دلارهای خدادادی نفتی درگاو صندوق ها محفوظ بود و خاک می خورد! نه می شد آن را در خارج از کشور ذخیره کرد و نه با آن هواپیما خرید و نه ناوگانهای ریلی را روزآمد کرد و نه با آن دستی بر سر کارخانجات فرسوده کشید. اینجا بود که ستون پنجم فعال شد. آقازاده ها محلل شدند. خصولتی ها شکل گرفتند. زمین های انفال به کابین زنان رفت! پولهای سرمایه ائی چند نسل خرج اعطینا این و آن

شد. پولها در خیابانها بین مردمی که پشت خودروی فلان مقام می دویدند توزیع شد. مقداری هم به صورت یارانه به همه اقشار از جمله مرفه ترین افراد و خارج نشین ترین اقشار تقدیم شد.

داشتند قباله ویلاهای ۱۰۰۰ متری را برای عموم مردم صادر می کردند! یک دفعه مردم چشم باز کردند دیدند دوره فرمان است که نیست! هرچه هم هست سبک زندگی تازه به دوران رسیده های مسلمان تا نامسلمان است! ۵ میلیون ایرانی آنور آب هم مبرا از این بی مبالاتی ها و متاثر از این بی خدائی ها نبودند. یکی (جز اندکی. اندکی که در تعداد قلیل و در خلق آثار عظیم بودند چون پروفسور سمیعی بزرگ که او را هم این اواخر در داخل آلوده کردند و ایرانی های مقیم خارج تا توانستند از او انتقام سخت گرفتند) نیآمد دست دانشگاه های ایران را بگیرد، یکی نیآمد در شهرسازیهای ما مشارکت بکنند تا شهر فروشی در این ابعاد و با این سرعت رخ ندهد تا اتوبانها تبدیل به خیابان ها، خیابانها تبدیل به کوچه ها و کوچه ها تبدیل به کوچه های بن بست نشوند! کل گرفتاری، کلی فرار مغزها و کلی غفلت و نادانی!

زوال ژن ایرانی بخاطر رکود وصلت های حلال و مهاجرت های حرام

تا دیروز ایران انبان ژنهای مغلوب و معیوب خود بود. تبادل ژنی به روال عادی و به صورت طبیعی انجام می گرفت. نوابغ اگر کم داشتیم نوادر کم نداشتیم. اما امروز ازدواجی نیست که ژن جابجا بشود! طلاق هم کارش تخریب توالیهای ژنی است. تعدادی از خارج نشینان بظاهر متفکر دست به تاسیس شبکه های متعدد تلویزیونی زدند. فکر کردند علامه دهرند!! در حالیکه خود نیک می دانستند و می دانند که علامه قعر هم نیستند. اما مطلع بودند مردم ایران دیگر کتاب خوان نیستند، مسجد برو نیستند، بیننده شبکه های داخلی نیستند. گرفتار مطلق روزمرگی ها هستند. با یک فست فود و با یک آهنگ پر طمطراق و پر ملات سکس می شود کارهای سامری کرد.

لذا یک تعدادی آمدند اخلاق مردم را نشانه گرفتند. تعدادی دین مردم را نشانه گرفتند و تعدادی بر مردم ایران دلسوزی کردند که اگر ما بودیم و باشیم چه می شد! بدترین ایشان کسانی بودند که به اعتقادات مردم یورش بردند. در واقع انتقام انقلاب اسلامی را از نسل بعد گرفتند. اینقدر هم عاقل نبودند که مردم دار و میهن دوست و آئین مردم پرست باشند. هم نیرو از ایران بردند و هم نیرو از ایران گرفتند. منقل خود را چاق کردند، مردم ایران را لاغر نگه داشتند. کاری که مغول هم نکرد. ما سفره بخور و نمیر نون و پنیر را بستیم و آنها سفره اعیانی گشودند. جذب کردند تا جلب بشویم، جذر بشویم و از معادله ایران خارج بشویم.

سرنوشت نقشه ایران

این است که نقشه ایران در طول سلسله های مختلف پادشاهی کوچک و کوچک تر شد.

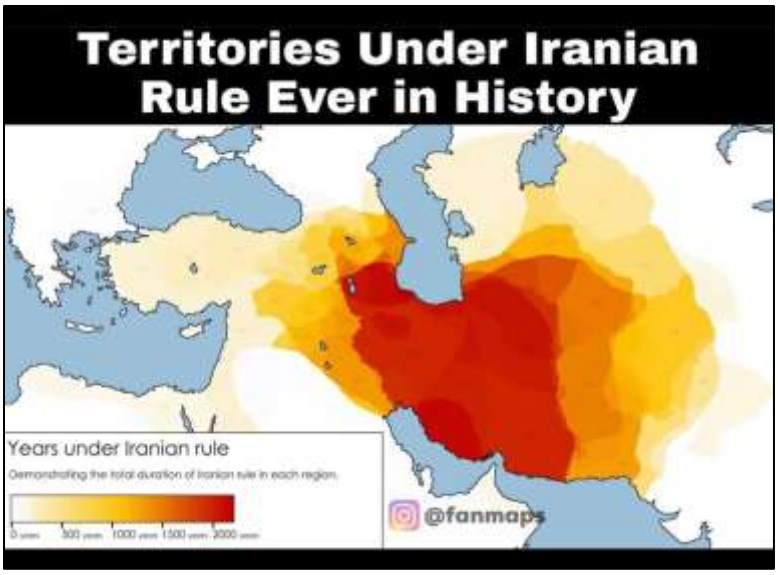

نظر من در این مورد در سایت شفقنا ذیل گزارش" شاعرانه ترین زبان جهان" مورخ۱۳۹۱/۱۲/۱۲– فایل ۴۶ این چنین بوده است:

آیا ایران کشور بدشانس یا خوش شانس است؟

سئوالی است که هنوز برای من بی پاسخ مانده است! تاریخش، جغرافیایش، مذهبش، بزرگانش، یادگاری هایش هم مایه فخر و هم مایه زجر است! کوچک شدن نقشه ایران به تنهائی برای هر ایرانی وطن پرست یک مصیبت است. تهاجم به مرز های فرهنگی توسط افراد اجنبی با نادانی ها و کم کاری های اشخاص خودی غیرقابل تصور و دفاع است. سرزمین کنونی ایران، تنها ٪۳۰ از سرزمین مادری ما با نام های "ایران زمین"،"ایران بزرگ"یا "ایرانشهر" و در جغرافیا با نام "فلات ایران" را شامل می شود. این یعنی مصیبت وارده بر مرز های جغرافیائی ایران درحد یک فاجعه بوده است. تعدادی دوست داشتند و دارند که ایران اساطیری را ایران خانم اطلاق و بر ساحت و ثروت آن تعدی کنند. اما بی وجدان ها نمی دانند نامش زنانه است اما کارش مردانه است.

نها در دوره اخیر (انقلاب اسلامی بهمن ۵۷) بود که **مردان و زنان غیرتمند ایرانی بسیار خوش درخشیدند** و به ۲۵۰۰ سال تحقیر ایرانی توسط دشمنان قسم خورده پاسخ دندان شکن دادند. دیگر لازم نبود در کل تاریخ ایران سراغ چند ناموار معدود چون کوروش، کریمخان زند، قائم مقام، امیر کبیر، مصدق، و چند نفر دیگر رفت. کل ایران نام آور بود. داخل بسته های تنقلات جبهه ها دست نویس و امضای خواهران بود. به پشتوانه ایشان شهدا و جانبازان گمنام نجات بخش ایران بودند.

اگر خائنین می گذاشتند ایران امروز ایران سرافرازیها بود. خودی ها اگر از کوه احد پائین نمی آمدند ایران امروز ایران ارزشها بود. امروز هم اموال خود را بین مردم توزیع کنند و داوطلبانه تا آخر عمر از گرفتن حقوق و مزایای دولتی انصراف بدهند قدرمسلم برای ایشان در روز قیامت امید نجات و رستگاری است.

همه چیز همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده اند. خدا را چه دیدی شاید در یک بزنگاه تاریخی بار دیگر تدبیری دیگر کرد. تدبیری که به داد کل مردم دنیا رسید و برای ما مسلمانان راه میانبری برای گذر از این بحران های کوچک و بزرگ بود. حتما روزی خواهد رسید که خاورمیانه بار دیگر خواهد درخشید.

نقش ها دارد خدا

نقشه ها دارد خدا

خانه ها دارد

خانمان دارد خدا

خاطرات دارد خدا

راه ها دارد خدا

راندمان دارد خدا

گه تو را آگه کند

گه تو را ناگه کند

گه تو را دانا کند

گه تو را برنا کند

نیک و بد با هم کند

تا تو را بینا کند

تا تو را دنیا کند

هرکه خواست خود خود کند

کار او بدتر کند

کار او سخت تر کند

با خودت بازی مکن

با خدا بازی مکن

بار تو فانی کند

باد تو خالی کند

یا تو را راهی کند

یا تو را کاهی کند

فوق تدبیر است خدا

روز و شب دیگر کند

زین بد زینت کند

این چنین ایوان کند

این چنین دیوان کند

عجب از غایت ما روز عظیم است

(۱۳۹۹/۱۱/۱۵)

دشمنان عرب و عجم برای شکست ایران صف بستند. سپاه ایران را قوی دیدند صف بستند. مردمان ایران را ضعیف دیدند صف بستند. تا کجا صف بستند؟ خدا می داند. صف عبری و عربی و اعجمی است. عرب از اول اول عربی است، عدمی است. عجمی هم عربی است. عدمی هم عجمی است. می ماند ایرانی با غیرت. ایرانی با صحبت. ایرانی پر قدرت. با خدا باشد نه یک صف که صفوف را خواهد شکست. قیود را خواهد شکست. شرک نخواهد گفت. با خدای خود عهد خواهد بست تا تاریخ خو ، زبان خود، فرهنگ لغت و معنی خود را حفظ کند. ایران خدا، ایران همه است. ایران نبی است. احسان علی و فاطمه و اولاد معزز ایشان است. شهدا شاهدان ایشان هستند. حفظ عاجل با ایشان است. ناجی هم با ایشان است.

به تو گفتند که ازل روز قدیم است

غزلی بر تو نخواند روز عقیم است

نفسی تازه بکن روز حکیم است

اثری تازه بجوی روز ندیم است

تو بفرما تو بیا روز فهیم است

به در خانه ما روز نسیم است

ایران غریب منطقه است در حین حال قوی منطقه هم هست. خود خواسته بوده یا خدا خواسته نامعلوم است. امامانش چنین خواستند. بزرگانش چنین خواستند.

فردوسی زبان پارسی را احیا کرد، عمرخیام تقویم را، شاه اسماعیل مذهب شیعه را، رضا شاه نام ایران را، و محمدرضا شاه مبدا هجری شمسی را که مورد آخر به مذاق مردم مسلمان ایران خوش نیآمد و آن را به حق پس زدند. زیرا افتخار مسلمانان جهان به هجرت پیامبر (ص) است. کلی الهام در این هجرت است. کلی اشتراکات در این هجرت است. زبان هجرت بعد از زبان قرآن نورانی ترین ریسمان الهی است. منتها افراطیون ملی و تفریطیون مذهبی اجازه عمل به شکوفائی ایران نمی دهند. بت نمی پرستند اما از هر بت پرستی بدترند. کاش آتش پرست می ماندند اینقدر بیگانه پرست نبودند. اینقدر خط قرمز برای ایرانی درست نمی کردند. هر دوره ائی یک جور. بد دوره ائی بدجور.

یک نوا گوید بگو

یک نوا گوید نگو

بهترین بودیم بگو

بدترین بودیم مگو

تا منم از من بگو

بعد من از زن بگو

از حنا بندان بگو

از سربندان بگو

هرچه می خواهی بگو

بیشترین از ما بگو

بهترین ما را بگو

بعد ما مردم بگو

ضعف مردم را بگو

از در و دیوار بگو

از که نالیدست بگو

خواب شیرین را بگو

خوش خیالی را بگو

خوش زبانی را بگو

حس خوبی است حس مادر را بگو

مثل ما دیگر نباشد آن بگو

اخیرا هم در تظاهرات سراسری مردم ایران به مناسبت درگذشت مشکوک مهسا امینی دختر ۲۲ ساله کرد، مطلبی در سایت خبربان تحت عنوان "ایران ۷ تکه؛ نقشه آمریکایی تجزیه ایران" خواندم که بسیار تکان دهنده بود. در این گزارش که در سایتهای مختلف ایران بازنشر شده بود برای ایران در دو مقطع تاریخی خواب دو تجزیه را دیده بودند:

نقشه تجزیه اول

نقشه انگلیس و روسیه تزاری در سال ۱۲۸۶

این نقشه تجزیه "قرارداد سن‌پترزبورگ" نام داشت و البته در ایران به "قرارداد ۱۹۰۷" معروف است. طبق این نقشه ایران به ۳ تکه یعنی ۲ منطقه نفوذ و یک منطقه میانی بی‌طرف تقسیم می‌شد؛ جنوب برای نفوذ انگلیس و شمال برای نفوذ روسیه تزاری.



نقشه تجزیه دوم

نقشه آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم

نقشه دوم را که متکی بر جدایی قومیت‌های ایرانی بود توسط جیمز فرانسیس برنز وزیر خارجه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم کشیده شد. جیمز برنز، وزیر خارجه آمریکا، پس از جنگ دوم پیشنهادی به روس‌ها داده بود که ایران به سه منطقه ترک و کردنشین، عرب‌نشین و فارس‌نشین تقسیم شود که روس ها زیر بار این خیانت علیه کشور نامدار ایران نشده بودند.



صدای ایران

(۱۴۰۱/۷/۱۵)

خدا کند که شوم صدای ایران

دعای خیر ایران

زمین زرخیز ایران

مجوس، ملول ایران

بلوچ، ضمیر ایران

هنر، قوام ایران

سخن، سئوال ایران

چه کنم که دست من نیست

همه جا هوای ایران

همه جا بلای ایران

به بلا سخن نگوئید

سخنان کلام ایران

هر دو مرز مرزه ایران

هر دو خصم خاصم ایران

بروید خانه ببوسید

خانه ها خانه ایران

مشت ها مژده ایران

هنر ماندن ما نیست

مگر این دوره ایران

ایران فقط ایران

(۱۴۰۲/۲/۱۸)

پرتوی از آسمان روی زمین است

دشتهای زمین روی زمین است

انصار در این دشت زمین است

اخبار از این روی زمین است

احرار ببین نام زمین است

القاب ببین شاد زمین است

رودابه ما فکر زمین است

افتاده ما فعل زمین است

درگاه ببر دار زمین است

ماوا ببر مرو زمین است

این فاصله در روی زمین است

بی واسطه هم کوی زمین است

کوهرنگ در این خاک زمین است

زربفت از این بافت زمین است

خدمت به وطن

(۱۴۰۲/۲/۲۵)

ای جوانان وطن

فارغ از کار وطن

کار کنید مام وطن

جایگاه جای وطن

آفتاب مال وطن

زندگی دار وطن

عاشقی عشق وطن

کار من کار وطن

بی شباهت به وطن

زادگاه زاد وطن

پایگاه پای وطن

نام برید نام وطن

کار کنید کار وطن

دیگر نوشته های من در مورد ایران:

تکرار جنگ احزاب یا جنگ ایران–روم؟ ۱۳۹۵/۱۲/۵

مرزداران معزز مرز ایران ۱۳۹۶/۱/۱۳

برندگان و بازندگان امروز ایران ۱۳۹۷/۶/۱۲

جنگ است ۱۳۹۸/۴/۳۰

مرز پرگهر مائیم ما ۱۳۹۸/۱۱/۷

ایران در مقام ایران ۱۳۹۸/۵/۱۱

دشمنان قسم خورده ایران آمریکا–اسرائیل ۱۳۹۹/۶/۳۰

ایران عزیز ۱۳۹۹/۹/۳۰

وطن ای وطن سرور عالم ایران ۱۴۰۰/۵/۳

احمد مسعود پسر احمد شاه مسعود خود شاه مسعود است ۱۴۰۰/۶/۱۶

ایران نظری کن ایرانی نظری کن ۱۴۰۰/۱۰/۱

سالروز تغییر نام کشور از پرشیا به ایران ۱۴۰۰/۱۰/۷

خدای ایران ۱۴۰۰/۱۲/۴

ایران فردا تا فردا ۱۴۰۱/۳/۱۱

ایران یک تا ده ۱۴۰۱/۶/۲۵

تقدیر ایران عزیز ۱۴۰۱/۷/۱۲

ایرانی های داخل و خارج کشور ۱۴۰۱/۸/۱۱

ایران من ۱۴۰۱/۸/۲۹

ایران فردا ۱۴۰۱/۸/۲۷

ایران ما– ایراد ما ۱۴۰۱/۹/۶

نقطه زن های حرفه ائی ۱۴۰۱/۹/۲۳

بزرگی مساحت امروز ایران ۱۴۰۱/۱۰/۸

دشمن خاک ایران: نادانی دوستان–دانائی دشمنان ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

باز هم نقشه برای ایران ۱۴۰۲/۳/۱

این مرز و این ایران و این هم مرزبانان بزرگ ایران زمین ۱۴۰۲/۳/۳

ایرانی در مقابل ایرانی ۱۴۰۲/۳/۱۲

باز هم دشمنی با ایران بزرگ ۱۴۰۲/۴/۲۲

سجده بر خاک وطن، ایران توسط زائرین پاکستانی عازم کربلا ۱۴۰۲/۶/۱

هیچکس با ما نیست اگر هم هست با ما نیست ۱۴۰۲/۷/۶

ایران گذر: با نگاه ویژه به سقوط هلیکوپتر حامل آقای رئیس جمهور و همراهان ۱۴۰۳/۳/۱

کسب رتبه ۲۱ ام ایران در المپیک پاریس بر همه ایرانیان مبارک باد، ۱۴۰۳/۵/۲۲

مشکل فعلی ایران، ۱۴۰۳/۸/۷